



# انترناسیونال

## ۲۹۸

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۸ خرداد ۱۳۸۸، ۲۹ مه ۲۰۰۹

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



**منصور حکمت**

[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)

جمعه ها منتشر میشود Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com سردبیر: محسن ابراهیمی

## ۲۶ ژوئن را به روز اعتراض بین المللی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم! در پاسخ به فراخوان سازمانهای جهانی کارگری

## قصه های عبرت آموز انقلاب فرهنگی، کشتار ۶۷، قتلهای زنجیره ای و مضحکه انتخابات

جمهوری اسلامی بدلیل نقض حقوق اساسی کارگران ایران درمقابل دفا تر نمایندگی جمهوری اسلامی تظاهرات خواهند کرد. این چهار سازمان کارگری در بیانیه شان که مورد حمایت سازمان عفو بین الملل نیز قرار گرفته است خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، فدراسیون آموزش بین الملل، فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل و اتحادیه بین المللی صنایع مواد غذایی، کشاورزی و خدمات در بیانیه ای اعلام کرده اند که در روز ۲۶ جون با خواست عدالت برای کارگران ایران و محکومیت

فراخوان چهار سازمان کارگری بین المللی در دفاع از کارگران ایران و اعلام تظاهرات سراسری درمقابل سفارتها و دفا تر جمهوری اسلامی در روز ۲۶ جون (۵ تیرماه) یک موفقیت بزرگ دیگر نه تنها برای کارگران بلکه برای کل جنبش آزادیخواهانه مردم ایران است.



کاظم نیکخواه

ارشاد دارد "غمباد میخورد" آری واقعا قصه عبرت آموزی است. اینکه نه فقط کشتارهای فجیع سال ۶۷، نه فقط قتلهای زنجیره ای که حکومتیان دست داشتن در آنرا انکار میکنند، بلکه "انقلاب فرهنگی" ای که رسما يك "دوره پرافتخار" حکومت اسلامی را تشکیل میداده است امروز که هنوز حکومت جانپان بر سرکار است مایه ننگ و نفرت است جای عبرت آموزی بسیار است. نفس اینکه امروز اینها در حکومتند و باید در مورد جنایاتشان و کارنامه شان پاسخ بدهند، اینکه خودرا در حکومت نیز در موضع دفاعی می بینند آری این واقعا برای امثال سروش و کل آن خیل خبیث خون آشام حاکم باید قصه عبرت آموزی باشد. من او را چندان از نزدیک نمیشناختم اما از قلمش بیش از کارنامه اش متوجه شدم که او اگر امروز هم از دستش بر می آمد حتما انقلاب فرهنگی دیگری را با همان جوخه های اعدامش براه می انداخت. وقتی که با اینچنین لحن تحقیر و توهین و کینه ای با کسی مثل دولت آبادی که گرچه خود از حامیان همین حکومت است و

"قصه انقلاب فرهنگی قصه عبرت آموزی است. بعضی از رسانه ها و دستگاههای حکومتی، سالها است که برای فرو کوفتن یکی از ناقدان و ناراضیان، یعنی سروش، ماجرای انقلاب فرهنگی راچنان ننگین و سنگین و دروغین کرده اند و جمعی بی خبر را چنان بازی داده اند (کینتوزان به جای خود) که اکنون این طناب برگردن خودشان پیچیده است. بطوری که پیروان خط امام هم از آن برائت می جویند و شرمسارانه نقش خود را در آن انکار می کنند و از اطلاع رسانی درست سر می پیچند. آدمی در می ماند که این پیروان وفادار، سهم رهبری فقید انقلاب [امام خمینی] را در انقلاب فرهنگی چقدر برآورد می کنند."

این کلمات را سروش یکی از طراحان جنایت گسترده و غیرقابل وصفی که آنرا «انقلاب فرهنگی» نام نهادند در مورد موقعیت امروز این انقلاب نوشته است. او در حیرت است که چرا امروز یاران امام و پیروان خط امام از "انقلاب فرهنگی" کذایی برائت میجویند و شرمسارانه نقش خود را در آن انکار میکنند. اما سروش این جرثومه شناخته شده "انقلاب جنایتکارانه فرهنگی" خود نیز در حال فرار است و با تاکید و افتخار از اینکه "تنها عضو مستعفی ستاد انقلاب فرهنگی" است، دیگران را به ماندن و دفاع از خط امام تشجیع و ترغیب میکند! او نیز امروز افتخارشا اینست که "ناقد و ناراضی" است، با حکومت نیست و کتابهایش در زیر سانسور وزارت

صفحه ۲



ناصر اصغری

## انتخابات؛ دو یادداشت محبوب، کارگران و میرحسین موسوی

تور تبلیغاتی برای جلب حمایت از میرحسین موسوی براه انداخته و

علیرضا محبوب، یکی از نمایندگان مجلس اسلامی و دبیرکل خانه کارگر رژیم اسلامی این روزها

صفحه ۷



گوشه ای از اعتراضات برای آزادی کارگران دستگیر شده در اول مه در ایران و جهان برای اطلاع از ابعاد وسیع اعتراض علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی کارگران دستگیر شده در اول مه به سایت حزب و روزنه مراجعه کنید.  
[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org) [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

## این انتخاب میلیونها زن در ایران است: بساط این حکومت زن ستیز را باید در هم پیچید!

صفحه ۳

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ قصه های عبرت آموز ...

کارنامه "پرافتخاری" در دفاع از جمهوری اسلامی و قانون اساسیش دارد اما کارنامه ای جنایتکارانه ای چون سروش ندارد، سخن میگوید، وقتی با لحن و زبان خانهای دوره فتووالی همه جور تحقیر و توهین را نثار او میکند، نشان میدهد که اگر میتوانست با آن دانشجویان زنجان و کرمان و تهران که کاندیداهای ریاست جمهوری اسلامی را بخاطر دست داشتن در کشتار ۶۷ و کشتار انقلاب فرهنگی محکوم میکنند و فریاد سر میدهند چه میکرد؟ با نیروهای چپ و کمونیست که در همه جا حضور دارند چه میکرد؟ با سازمان دهندگان تظاهراتهای دانشجویی چه میکرد، با برگزار کنندگان اول مه چه میکرد، با آن مردمی که هرروز در کارخانه و کوچه و خیابان و همه جا ننگ و نفرت نثار جمهوری اسلامی و همان رهبر فقید انقلابش میکنند چه میکرد؟

آنچه میخواهم تاکید کنم در مورد موجود وحشت زده ای بنام "عبدلکریم سروش" نیست، بلکه در پیرامون همان "درس عبرت" است. ما بارها گفته ایم که این روزها مردم بجای بحث در مورد کاندیداهای مضحکه انتخاباتی دارند خود حکومت را به محاکمه میکنند. آیا درک این مشکل است؟ اگر کسی امروز در این جامعه هست که نداند ایران امروز جامعه ای در حال غلیان و خشم و التهاب است، باید به همین واقعیات ساده که سروش را به حیرت و وحشت واداشته فکر کند.

دوره چند هفته ای "تبلیغات انتخاباتی" دست اندرکاران حکومت بزودی تمام میشود، اما کابوس سران حکومت بیش از پیش عمیق خواهد شد. تردیدی نباید داشت که این پرونده های عبرت آموز پشت سر هم در جامعه توسط مردم زخم خورده، بی حرمت شده، قربانی داده، به فلاکت کشیده شده و زجر کشیده با ابتکار حزب کمونیست کارگیشان گشوده میشود و "حیرت" و وحشت کسانی امثال سروش که به

دنبال کسی میگردند که با شجاعت از خط امامشان دفاع کند، فزونی خواهد گرفت. واقعا داستان جالبی است. فکرش را بکنید يك حکومت با تمام دستگاه سرکوب و شناعت و جنایتش سرکار است اما دست اندرکارانش نقش خود در پیشبرد سیاستهای هنوز معتبر و رسمی و از نظر خود بسیار متبرک و مهم حکومتشان را انکار میکنند! اگر این وحشت از مردم و حزیشان نیست واقعا از چیست؟ میرحسین موسوی اصلا نخست وزیرش در دوره انقلاب فرهنگی را انکار کرده و در مورد کشتارهای ۶۷ هم میگوید "قوه قضائیه از قوه مجریه جداست" و بنابراین ایشان که قوه مجریه بوده است گناهی ندارد! و دانشجویان بیادش می آورند که جناب! وزرات اطلاعات و شخص وزیر اطلاعات که بخش مهمی از این کشتارها را به جریان انداخت جزو قوه مجریه و کابینه شما بود. بیادش می آورند که موسوی در همان زمان نخست وزیرش از این کشتارها دفاع کرده است، و دانشجویان زنجان بر پلاکاردهایشان مینویسند "بخاطر کشتارهای ۶۷ میرحسین موسوی محکوم است" و او خفقان میگردد.

در مورد انقلاب فرهنگی نیز میرحسین "فراموش میکنند" که هنوز عضو ستاد انقلاب فرهنگی کذایی است! و سروش بیادش می آورد و میگوید بایست و دفاع کن. و ایشان خفقان میگردد. کروی "شیخ اصلاحات" باید پاسخگوی پولهایی که رسماً اعلام شده که از شهرام جزایری گرفته پاسخگو باشد و ایشان نیز خفقان گرفته است. جالب است که در میانه این بحثها روشن میشود که سمبل و مبتکر اصلاحات کذایی یعنی محمد خاتمی هم جزو ستاد انقلاب فرهنگی بوده است و در جلسات و تصمیم گیریهای جنایتکارانه اش یعنی اخراجها و دسگیرها و اعدامهای دانشجویان "غیرخودی" شرکت میکرده و بقول

## از صفحه ۱ در پاسخ به فراخوان سازمانهای ...

۲۶ جون (۵ تیرماه) را نباید نه تنها در خارج کشور بلکه در داخل کشور نیز به يك روز بزرگ اعتراض علیه جمهوری اسلامی و روز دفاع از خواست های کارگران، آزادی فوری کلیه دستگیرشدگان و کلیه زندانیان سیاسی تبدیل کنیم. کلیه

سروش هنوز هم جزو این ستاد است. دقت کنید که اینجا مدعیان پرمدعا و "متمدن" اصلاحاتند. اینجا همانها هستند که رگه های مختلف اپوزیسیون بی درد به بن بست کشیده شده، آنها را سران و بانیان اصلاحات و "جنبش اصلاحات" مینامند و امید این را از آنها دارند که فضای باز سیاسی را به جامعه عرضه کنند! و برآستی اگر کسی ذره ای صداقت و درایت داشته باشد از رویدادهای همین چند روزه متوجه میشود که چرا جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست. متوجه میشود که هر گونه فضای بازی سرعت جامعه را به سوی انقلاب برای بزرگ شدن این حکومت میکشاند. میفهمد که وقتی ما میگوییم این حکومت انقلابی را پشت سر خود فشرده کرده است و جایی برای اصلاح این حکومت وجود ندارد، نیرویی برای اصلاح این حکومت وجود ندارد، به چه معناست.

## انتخاب مردم در مقابل "انتخابات رژیم"

سناریو و روندی که پیش رو داریم بطور خلاصه کمابیش اینست: حکومت اسلامی بر سر یک دو راهی و مانده است، نه توان و امکان بازگرداندن خفقان و کشتار دوره خمینی را دارد و نه آلترناتیوها و پروژه هایی نظیر اصلاحات و "سازندگی" دیگر بازاری دارد و دردی را برای حکومت دوا میکند. مردم بیش از آن زجر کشیده اند و قربانی داده اند و بجان آمده اند، بیش از آن خشمگینند، بیش از آن به میدان آمده اند و بیش از آن به حزبی انقلابی و رادیکال و کمونیست پیوند یافته اند، که راهی برای سازی با هیچ بخش حکومت باقی مانده باشد.

ادامه راه خمینی و همان سیاستهایی نظیر "انقلاب فرهنگی" و کشتارهای فحیح ۶۷ و انقلاب فرهنگی براه انداختن ها مطلقاً شکست خورده و دوره اش تمام شده است. در عمل معلوم شده است که برای حکومت عملی و به صرفه نیست. حکومت قدرت و جریزه و نا و توانش را ندارد. آن خط سالها پیش از مرگ

نهادهای و تشکل های کارگری و مراکز کارگری در سراسر کشور، دانشجویان، زنان و کلیه تشکل ها و نهادهای مدافع حقوق انسانی و همه مردم آزادیخواه باید به این اعتراض بپیوندند، از این فراخوان حمایت کنند و به يك موج اعتراضی گسترده در سراسر کشور شکل بدهند.

خمینی به ته خط رسید و مرد. امروز مدافعینش باید حساب پس بدهند. این را ما بارها گفته بودیم. هنوز عده ای فکر میکنند که باند احمدی نژاد و پورمحمدیها و اژه ای ها و صفار هرنیدیا که شخشا سابقه مستقیم فراوانی در کشتار و جنایت داشتند میتوانند يك بار دیگر آن فضای خفقان دهه شصت را به این جامعه بازگردانند. اما آن خط و آن دوره شکست خورده و مرده است. روشن است که هیچ کس آنقدر ساده و هالو نیست که فکر کند این حکومت دست به جنایت و کشتار و سرکوب نخواهد زد. چون کارش جز با همین ها يك روز هم نسیگردد و نگذشته است. همین اکنون دهها تن از کارگران به جرم تدارک برگزاری اول مه یا بهتر است بگوییم اعلام نیت خویش برای برگزاری اول مه و قیل از اینکه فرصت کنند تجمعی را برگزار کنند و قطعنامه ای را بخوانند و حرکتی را به جریان بیندازند در زندان و زیر شکنجه اند. همین روزها دلارا دارابی دختر جوانی را که متهم به قتل در سنین کودکی بود روز اول مه و بدون اینکه نه به خانواده اش و نه به وکیلش اجازه دهند او را ملاقات کنند فحیحانه به دار کشیدند و میلیونها نفر را متاثر و متأسف و خشمگین کردند. و بسیاری جنایات و سرکوبهای هرروزه. اما آیا کسی میتواند انکار کند که در دوره حکومت احمدی نژاد بیشترین اعتراضات و مبارزات به جریان افتاد؟ و فضای جامعه رادیکال تر و چپ تر و ملتهب تر شد؟ به نحوی که خود جناب تیر خلاص زن را چند بار هو کردند و تصویرش را در برابر چشمانش آتش زدند؟ و همین روزها هم در بوشهر با شعار و فریاد و پلاکاردها او را هو کردند و دروغگو خطابش کردند و به او فهمانند که باید گوش را کم کند، و نمایش برائت از کشتار ۶۷ و "انقلاب فرهنگی" و قتلهای زنجیره ای و امثال اینها دارد تاکید میکنند که دوره محاکمه و ارائه کیفرخواست مردم علیه آن کشتارها شروع شده است و ادامه خواهد یافت و گسترش و شدت خواهد یافت.

کل داستان اینست که

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از این اقدام حمایت میکند و همه مردم آزاده در داخل و خارج کشور را فرامیخواند که با پیوستن به این حرکت، این روز را به يك موفقیت بزرگ برای کارگران و مردم ایران و شکستی برای حکومت سرکوبگر اسلامی تبدیل کنیم.

نمایش انتخاباتی حکومت سیمای متفاوتی از قبل را دارد نشان میدهد. و آن بخشی از اپوزیسیون که بر سیاست تحریم و بایکوت و یا شرکت و اینها میگوید از قافله بسیار عقب است. اوضاع این روزها نشان میدهد که مردم انتخاباتشان را کرده اند. اکنون مدتهاست که جنگی میان مردم و حکومت در جریان است و این مضحکه اخیر انتخاباتی این را به وضوح منعکس میکند که روند خراب کردن انتخابات بر سر حکومت به جریان افتاده است. هیچکدام از کاندیداهایشان نتوانستند در جایی ظاهر شوند و با اعتراض و خشم و شعار دادن بخشی از دانشجویان مواجه نشوند. در زنجان، در اهواز، در بوشهر، در خارك، در تهران، در شیراز در نجف آباد و در مازندران دانشجویان و کارگران مقابل اینها ایستادند و کیفرخواستشان علیه کل حکومت را به زبانهای مختلف بیان کردند. مهم این نیست که در پس این بازی چه کسی از تعداد انگشت شمار موجودات خبیث از فیلتر رد شده به پست ریاست جمهوری اسلامی رانده خواهد رسید. به احتمال قوی تر همین باند موجود دوباره بر کار خواهد ماند تا جنگ حکومت با مردم را ادامه دهد. و این جنگی است که تا به زیر کشیدن حکومت ادامه خواهد یافت. این جنگی است که هر چه جلوتر آمده ایم در آن توازن به زیان حکومت و به نفع مردم و رادیکالیسم تغییر کرده است. و این تغییر توازن به زیان حکومت و به نفع مردم و بیشتر میگیرد. دست اندرکاران دیروز و امروز حکومت "قصه های عبرت آموز" بیشتری را شاهد خواهند بود و قطعاً اگر عقل معاش داشته باشند بجای دفاع از آن موج جنایت و زجر شکنجه و دردی که به مردم تحمیل کردند، از آن فاصله بگیرند و فکری بحال آیند خویش میکنند.\*

کلیه دستگیرشدگان اول مه و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۱ مه ۲۰۰۹  
۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۸

## بساط این حکومت زن ستیز را باید در هم بیچید! این انتخاب میلیونها زن در ایران است!

حکومت زن ستیز اسلامی، مضحکه انتخاباتی به راه انداخته و چهار جلد و مرتجع را برای "انتخاب" جلوی مردم ایران گذاشته است. پرونده سیاه هر یک از این مردان مرتجع و پرونده همه سران این حکومت از خمینی و خامنه ای تا رفسنجانی و احمدی نژاد و خاتمی و همه اعوان و انصارشان، مشحون از جنایت و قتل و تحمیل بی حقوقی و بی حرمتی به مردم و به زنان در ایران است. نیمه جامعه در ایران، زنان سی سال است که زیر شلاق این حکومت زن ستیز و مردسالاری بی حرمت میشوند. سی سال است که مشتیی آخوند و مرتجع عقب مانده از منبر و مسجد و رادیو و تلویزیون و از دادگاهها و مجلس و شورای نگهبانان، زنان را نیمه انسان خطاب کرده و از آنها به ازای دریافت نفقه، تقاضای تمکین میکنند. سی سال است که زن در ایران حق طلاق ندارد و هر تخطی او از مقررات اسلامی با

اشد مجازات پاسخ میگیرد. سی سال است که صدها زن قربانی سنگسار شده اند.

سی سال است که در ایران یک حکومت تمام عیار مبتنی بر آپارتاید جنسی حاکم است و بطور عریانی جنایت علیه بشریت اتفاق می افتد و دولتهای غربی و نهادهای بین المللی از سازمان ملل تا اتحادیه اروپا در مقابل این جنایات سکوت کرده و چشم بر این جنایات حکومت فاشیست اسلامی بسته اند.

ما زنان در ایران اما از هشت مارس ۵۸ تا امروز هیچگاه به این تفکر پوسیده و قرون وسطایی و به این حکومت زن ستیز تمکین نکرده ایم. سی سال است که میلیونها زن شجاعانه به این حکومت ضد زن با صدای بلند نه میگویند. و امروز در مقابل این سیرک انتخاباتی مشتیی جلا و خونخوار نیز اعلام میکنیم که نه فقط در این مضحکه

انقلاب از طرف زنانی است که هیچگاه به مقررات اسلامی تمکین نکردند.

برای ما میلیونها زن که با آمدن حکومت اسلامی در ایران از سی سال پیش، چهره کریه یک حکومت ضد زن و مدافع آپارتاید جنسی را تجربه کرده ایم، حکومت اسلامی، غده چرکینی است که باید با یک انقلاب و مبارزه گسترده عمومی سرنگون شود.

حکومت اسلامی یعنی حکومت له کردن زنان زیر پای سنت و قوانین و ارتجاع اسلامی، حکومت اسلامی برای ما میلیونها زن یعنی تحمیل حجاب بر سر ما با اسید پاشیدن به صورتان، حکومت اسلامی برای ما میلیونها زن یعنی نداشتن حق طلاق، نداشتن حق انتخاب همسر و نداشتن تامین اجتماعی، حکومت اسلامی برای ما یعنی دفاع کامل حکومت از مرد سالاری و از جداسازی جنسیتی و از تحقیر و توهین روزمره به ما بدلیل جنسیتان، حکومت اسلامی یعنی حکومت سنگسار و تکه تکه کردن جسم و روح ما و بهمه این دلایل باید گورش را کم کند.

تن و بدن ما، حقوق و حرمت انسانی ما قربانی شد تا مشتیی جلا و جنایتکار

انتخاباتی شرکت نمیکنیم، بلکه روز ۲۲ خرداد را به روز ابراز نفرت عمومی خودمان از این جلادان و از حکومت زن ستیز اسلامی تبدیل خواهیم کرد.

ما بهمه همه مردم در ایران، حرف آخر خود را زده ایم. این حکومت باید برود. ما بساط این جنایان را جمع خواهیم کرد، بهمه کارگران، دانشجویان، معلمین و همه معترضین و منزجرین از حکومت اسلامی ایران.

زنان در ایران سالهای سال است که انتخاب خود را کرده اند، حاکمین ایران مشتیی جلا و جانی و مرتجع متعلق به قرون وسطی هستند که با تحمیل تن فروشی، کلیه فروشی و فقر و بی حقوقی به مردم، سرپا مانده و جیب اشان را پر کرده اند. این حکومت مدافع سیاهی و تباهی، این حکومت مدافع ترور و جنایت، این حکومت عزا و عاشورا، این حکومت تحمیل فقر و فلاکت به مردم ایران باید سرنگون شود. این فرمان

بمانند و بجایند. و امروز هر نوع دفاع تلویحی و یا علنی نهادهای به اصطلاح مدافع حقوق زن از این مضحکه انتخاباتی و یا از یک کانبدیا، دفاع از پایه های این حکومت و کمکه به سرپا ماندن حکومتی جنایتکار و دفاع از بنایی است که با خون صدها کمونیست و آزادیخواه، با خون صدها جوان اعدام شده و با خون دلارا دارایی ها و مریم ایوبی ها سرپا مانده است.

این حکومت با حمله به زنان، با تحمیل حجاب بر سر ما زنان، و با سنگسار و اعدام آمد و پایه های حکومت ننگین اش را محکم کرد. و امروز با مبارزات ما علیه اعدام و سنگسار و با مبارزه ما علیه زن ستیزی اسلامی، با مبارزه همگام ما با همه مردم ایران علیه این بساط لجن و خون، باید بساط اش را جمع کرده و برود. این فرمان انقلابی است که ما زنان در صف اول آن ایستاده ایم.

علیه تبعیض

سازمان دفاع از حقوق زن

۲۷ ماه مه ۲۰۰۹

نمایندگان رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی را از این شهر بیرون بیندازید  
مرگ بر جمهوری اسلامی

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران -  
گوتنبرگ سوئد

همبستگی، فدراسیون سراسری  
پناهندگان ایرانی - گوتنبرگ  
تلفن تماس: ۰۷۶۲۹۲۸۸۴۸

روزهای شنبه ۲۹ و ۳۰ مه

از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر

آدرس: Mässansgata 8,  
Spårvagn 2, 4, 5, 6, 8, 13  
Korsvägen ایستگاه

اند، میلیونها نفر زندانی و شکنجه شده اند، هرگونه آزادی فردی و اجتماعی از بین رفته است و با غارتگری و چپاول میلیونها انسان را به فقر و فلاکت کشانده اند. اینها جنایتکارانی هستند که باید بخاطر بیش از ۳۰ سال جنایت محاکمه شوند.

ما از همه مردم شریف شهر گوتنبرگ دعوت می کنیم که با ما در اعتراض به حضور نمایندگان قاتلین در این شهر شرکت کنند.

کودکی در زندان بسر می برند، اعدام دختر جوان دلارا دارایی نفرت و انزجار مردم دنیا را بر علیه این جنایتکاران برانگیخت.

ما بار دیگر حضور مامورین جمهوری اسلامی در شهر گوتنبرگ را تبدیل به صحنه افشای جنایات این رژیم خواهیم کرد و به مردم سوئد خواهیم گفت که اینها نمایندگان مردم ایران نیستند بلکه قاتلان مردم ایران هستند و باید بساطشان را جمع کنند. در طول حکومت ایشان بیش از صد هزار نفر اعدام شده

از ماه مارس صفحات بیشتری به پرونده کثیف جمهوری اسلامی اضافه شده است. چنین مورد اعدام از جمله اعدام نوجوانان و دستگیری شرکت کنندگان در مراسم اول مه از جمله این جنایات است. بیش از صد و هفتاد نفر در روز اول مه دستگیر شدند و بسیاری از آنها هنوز در زندان بسر می برند. صدها نفر در زندانهای جمهوری اسلامی محکوم به اعدام و سنگسار هستند که بسیاری از آنها از سن

## نمایندگان جنایتکاران را از شهر گوتنبرگ بیرون بیندازید

**مردم شریف شهر گوتنبرگ!**

طبق خبری که سفارت جمهوری اسلامی در شهر استکهلم منتشر کرده قرار است نمایندگان این سفارت روزهای جمعه و شنبه ۲۹ و ۳۰ ماه مه (۸ و ۹ خرداد) به بهانه خدمات کنسولی به شهر گوتنبرگ سوئد بیایند.

حضور نمایندگان رژیم اسلامی در ماه مارس در گوتنبرگ و در ماه آپریل در شهر مالمو تبدیل به صحنه اعتراض به حضور عوامل رژیم اسلامی و افشای هر چه بیشتر جنایات این رژیم شد.

## دانشگاه در مقابل مضحکه انتخابات

این روزها دانشگاه عرصه اعتراض دانشجویان به مضحکه انتخابات اسلامی ست. دانشگاه مازندران یکی از اولین دانشگاه هایی بود که موسوی برای تبلیغات خود رفت و در مقابل سوال دانشجویان در مورد جنایات جمهوری اسلامی قرار گرفت. دانشجویان موسوی را در مقابل سوالاتی در مورد قتل عام های دهه شصت و همچنین بازداشت دانشجویان قرار دادند و عملاً جلسه تبلیغاتی موسوی را به ضد خود، یعنی اعتراض به جمهوری اسلامی تبدیل کردند.

موسوی همچنین به دانشگاه آزاد

سخنرانی او را بعد از اعتراض ترک کردند.

کریاسچی نیز که از طرف کرویسی به دانشگاه قزوین رفته بود نیز با اعتراض دانشجویان به بازداشت دوستانشان مواجه شد. دانشجویان با نصب پوسترهای دانشجویان زندانی و شعار "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد" از کریاسچی استقبال کردند.

کرویسی نیز که برای تبلیغ به دانشگاه آزاد نجف آباد رفته بود با چنین وضعیتی مواجه شد و با دانشجویان معترضی که خواهان آزادی دوستانشان از زندان های دوستان کرویسی هستند رو به روشد. سایر نمایندگان ریز و درشت نامزدهای انتخاباتی به هر دانشگاهی رفته اند با چنین فضای اعتراضی ای مواجه شده اند.

مضحکه انتخابات را باید بر سر حکومت اسلامی با اراذل و اوباش خراب کرد و نباید به آنها اجازه داد جمهوری اسلامی را به خورد جامعه بدهند. دانشجویان نشان دادند جمهوری اسلامی را با هیچ فرمول و هیچ نامزدی نمی خواهند، کرویسی و موسوی و احمدی نژاد برایشان یکسان است. باید از امروز وسیعا به میدان پیامی و مضحکه انتخابات را بر سر حکومت خراب کنیم و هر مراسم آن را به صحنه اعتراض به حکومت اسلامی قتل و سنگسار و زندان و آپارتاید جنسی تبدیل کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

سازمان جوانان کمونیست

۲۸ اردیبهشت ۸۸، ۱۸ می ۲۰۰۹

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت عوامل صدا و سیما که برای ضبط برنامه ای به نام "منطقه آزاد به آن دانشگاه رفته بودند را از دانشگاه بیرون کردند و مانع کار آنان در دانشگاه شدند. برنامه "منطقه آزاد" برنامه ایست برای تبلیغ مضحکه انتخابات اسلامی و می خواهد به دانشجویان بگوید انتخابات نقش مهمی در سرنوشت کشور دارد.

انتخابات جمهوری اسلامی با هیچ معیاری انتخابات نیست، چند نفر از جنایتکارترین سران رژیم را جلوی جامعه می گذارند و در نهایت خودشان یکی را از صندوق بیرون می آورند تا مائین سرکوب و جنایت اسلامی را در دور آتی هدایت کند.

دانشجویان نشان داده اند دانشگاه جای تبلیغ و عرض اندام عوامل جنایتکار حکومت اسلامی نیست. نشان داده اند

# دستگیر شدگان اول مه سعید یوزی، جعفر عظیم زاده، محمد اشرفی و کاوه مظفری زیر شکنجه رژیم اسلامی قرار گرفتند

## سعید یوزی از بیماری سرطان معده رنج میبرد و شکنجه گران رژیم داروهای او را ضبط کرده اند

### اطلاعیه شماره ۱۷:

در اطلاعیه شماره ۱۵ گزارش کردیم که روز یکشنبه ۳ خرداد سه تن از فعالین کارگری به نام‌های سعید یوزی، جعفر عظیم زاده و محمد اشرفی، از بازداشت شدگان ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر، زیر شکنجه و بازجویی شدید قرار گرفته اند. بنا به گزارشهای منتشر شده این کارگران هر روز برای ساعات متوالی به منظور بازجویی مجدد به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده و زیر شکنجه قرار میگیرند و سپس به بند عمومی برگردانده میشوند.

به گزارش سایت کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری روز سه شنبه ۵ خرداد پس از ضرب و شتم این سه فعال کارگری، نرگس سربازی (همسر محمد اشرفی)، هانیه و نوید یوزی (فرزندان سعید یوزی) و اکرم رحیم زاده (همسر جعفر عظیم زاده) طی نامههایی به دفتر حفظ حقوق شهروندی پیگیری وضع عزیزان خود شدند و اعتراض خود را به دربند بودن آنان و شکنجه و آزارشان اعلام داشتند.

بنا به همین گزارش روز سه شنبه ۵ خرداد "محمد اشرفی" و "کاوه مظفری" برای ساعات متوالی به منظور بازجویی‌های مجدد به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل گردیدند.

در این گزارش آمده است که روز چهارشنبه ۶ خرداد هانیه یوزی پس از ملاقات پدرش، متوجه ناراحتی و افسردگی و تشدید بیماری وی گردید.

لازم به ذکر است که با کمال تاسف سعید یوزی به سرطان معده مبتلا است و بایستی تحت مراقبت‌های خاص قرار گیرد. اما شکنجه گران جمهوری اسلامی علیرغم اصرارهای مکرر وی، داروهای او را در اختیارش قرار ندادند.

گزارش دیگر اینکه روز گذشته ۶ خرداد دو نفر از دستگیر شدگان اول مه در پارک لاله، معجید توکلی و "بهنام اسدزاده" از زندان آزاد شدند. در این روز وعده شده بود که هشت نفر دیگر از کارگران فلزکار و میکاتیک تهران که در محل تعاونی فلز کار دستگیر شده بودند و هنوز در بازداشت بسر میبرند، آزاد شوند. اما علیرغم اینکه خانواده برای تحویل عزیزان خود به مقابل دادسرای جمهوری اسلامی رفته بودند، اما به آنها گفته شد که بازجویی پایان نیافته و این

کارگران فعلا باید در زندان بمانند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی آزادی معجید توکلی و بهنام اسد زاده را به آنها و به خانواده شان و به همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگوید.

در عین حال کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی فراخوان میدهند که مبارزه خود را برای آزادی تمامی دستگیر شدگان اول مه فشرده تر کنیم. وسیعا به کمپین اعتراضی که برای آزادی آنان از سوی کمیته برگزاری اول مه اعلام شده است، بیوبندند. خصوصا جان یکی از کارگران دستگیر شده سعید یوزی در خطر است و او به همراه، جعفر عظیم زاده، محمد اشرفی و کاوه مظفری زیر شکنجه و بازجویی شدید قرار دارند. باید وسیعا به این فشارها اعتراض کرد. باید کاری کرد که همه دستگیر شدگان اول مه فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. خانواده‌های دستگیر شدگان اول مه باید به تجمعات اعتراضی خود و مبارزه متحد خود برای آزادی عزیزانشان ادامه دهند و باید وسیعا به این تجمعات پیوندیم.

در اطلاعیه‌های قبل گزارش کردیم که از سوی کمیته برگزاری اول مه در حمایت از دستگیر شدگان اول مه و قطعنامه روز جهانی کارگر کمپینی اعلام شده است. تا کنون بیش از ۵۲ نهاد و تشکل کارگری و دیگر تشکلهای آزادیخواه، حول این کمپین متحد شده اند. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از همه کارگران و همه بخش‌های مختلف جامعه، میخواهد که وسیعا به این کمپین پیوندند.

برای پیوستن به این کمپین میتوان با آدرس زیر تماس گرفت: [campaign1may@gmail.com](mailto:campaign1may@gmail.com)

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی برای آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی دستگیر شدگان اول مه و همه زندانیان سیاسی تلاش میکند.

دستگیر شدگان اول مه باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند

### کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

مرکز بر جمهوری اسلامی

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

زنده باد اول مه مه روز جهانی کارگر

۷ خرداد ۸۸ - ۲۸ مه ۲۰۰۹

shahla\_daneshfar@yahoo.com

00447779898968

### ضمیمه:

#### اسامی دستگیر شدگان اول مه:

- ۱- جعفر عظیم زاده ۲- شاپور احسانی راد ۳- سعید یوزی ۴- بهنام ابراهیم زاده ۵- محمد اشرفی ۶- محمود حسینی ۶- محمد لطفی ۷- غلامرضا خانی ۸- ۹- میثم جعفر نژاد ۱۰- امیر یعقوب علی ۱۱- کاوه مظفری ۱۲- جلوه جواهری ۱۳- علیرضا ثقفی ۱۴- محسن ثقفی ۱۵- اسداله پور فرهاد ۱۶- سیروس فتحی ۱۷- حمید خادمی ۱۸- عین‌اله بصیری ۱۹- امید شفیع ۲۰- نوید یزدی ۲۱- غلامرضا رجبی ۲۲- سجاد سیزعلی پور ۲۳- آيسان زرفام ۲۴- خوشبخت ۲۵- احمد داوودی ۲۶- محمدی سلیمی ۲۷- محمد احسانی ۲۸- صالح کیابادی ۲۹- حسین اکبری ۳۰- ۳۱- محمد گیلانی ۳۲- عبدالله وطن خواه ۳۳- حسن شفاء ۳۴- عزیز یاری ۳۵- مصطفی حاتمی ۳۶- ناصر ابراهیمی ۳۷- عزیز محمدی و...

تشکلهای، مراکز کارگری و نهادهایی که کمپین برای آزادی دستگیر شدگان اول مه را اعلام کرده و یا به آن پیوسته اند.

### کمیته برگزار کننده اول مه شامل:

- ۱- سندیکای شرکت واحد تهران و حومه
- ۲- سندیکای نیشکر هفت تپه
- ۳- اتحادیه آزاد کارگران ایران
- ۴- هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات ساختمان - شورای همکاری تشکل‌ها و فعالین کارگری شامل:
- ۵- کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری
- ۶- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری
- ۷- جمعی از فعالین کارگری
- ۸- شورای زنان
- ۹- کانون مدافعان حقوق کارگر
- ۱۰- انجمن برق و فلز کرمانشاه

### حامیان این کمپین:

- ۱۱- انجمن دفاع از کارگران اخراجی سقز
- ۱۲- کمیته دفاع از کارگران هفت

۴۸- کارگران براق آلات قم

۴۹- جمعی از خبرنگاران بخش اجتماعی نشریه محلی کرج

۵۰- کانون فرهنگی و پژوهشی بامداد

۵۱- انجمن حمایت از حقوق شهروندی

۵۲- دانشجویان سوسیالیست دانشگاه‌های ایران

برای پیوستن به این کمپین با آدرس زیر تماس بگیرید: [campaign1may@gmail.com](mailto:campaign1may@gmail.com)

همچنین میتوانید پیشانی که در سایت سندیکای کارگران شرکت واحد در همین رابطه گذاشته شده است، را امضا کنید و با این کار حمایت خود را از دستگیر شدگان اول مه و قطعنامه روز جهانی کارگر اعلام نمایید. برای امضای این پستی شهن میتوانید لینک زیر را باز کنید: <http://syndicavahed.info/petition>

اتحادیه‌های کارگری و نهادهای بین المللی ای که تا کنون حمله وحشیانه جمهوری اسلامی را به مراسم اول مه محکوم کرده و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان روز جهانی کارگر شده اند:

۱- کنفدراسیون بین المللی اتحادیه‌های کارگری (ITUC) متشکل از ۱۷۰ میلیون کارگر در سطح جهان.

۲- کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه (س ۳ ت) - بخش ADDSEA

۳- سازمان آموزش جهانی (ای.آی.)

۴- فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (آی.تی.اف)

۵- اتحادیه بین المللی صنایع مواد غذایی، کشاورزی و خدمات (آی.یو.اف)

۶- انترناسیونال کارگران ساختمانی و چوب (BWI)

۷- ویولا ویلکینز از سوی کارگران صنعتی جهان - ملبورن، استرالیا

۸- تیم داناوان دبیر اتحادیه خدمات عمومی و تجارتي PCS

۹- کمیته همبستگی بین المللی اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا-انتاریو

۱۰- سیلویا هیل- عضو قوه مقننه شورای قانون گذار دولت ایالت نیو ساوت ولز

۱۱- اتحادیه پست کانادا و اتحادیه ترانسپورت آمریکا

۱۲- شورای اتحادیه‌های کارگری استرالیا

آهن اردبیل

کارگران شرکت کارگلاس تهران

## صدای مردم در کانال جدید

### جنایت کاران باید محاکمه شوند نه انتخاب

#### برنامه ای از کیوان جاوید

الو سلام، میخواستیم بگم شما و مانیفست حزب کمونیست کارگری دقیقا حرف دل ۹۵ درصد مردم ایران را میزند. مردم میخوان بیکار نباشن و اگر بیکار شدن بیمه بیکاری داشته باشن، بهداشت و تحصیل رایگان داشته باشن و کلا در رفاه باشند و یک زندگی بهتری داشته باشند. جمهوری اسلامی هم وقتی سر کار اومد البته یه حرف راست زد اونهم اینکه گفت «اقتصاد مال خره» و بقول شما منظور اقتصاد مال آخوندهای میلیاردی هست، بله منظورشان اقتصاد و رفاه برای خودشان بود. خواهش من اینه که صدای این مزدوران را قطع کنید و این تلویزیون مال مردم و صدای انقلاب است.

یک مرد بیننده

سلام. خواستم بگم که اینها با این انتخاباتشون دارند گور خودشون را میکنند چونکه یکی از دیگری بدترند و همه شون جنایتکارند. الان بحث بر سر اینست که میخواستیم مردم آزاد باشند و من که یک جوان ۳۰ ساله ام چرا دستم به پیش این و اون باید دراز بشه و چرا نباید کار و خونه و آزادی داشته باشم. آخه این بی شرفها چرا زمان انتخابات شعار «مردم محوری» میدن ولی وقتی بر سر کار میرسن همه اینها را فراموش میکنند! پس معلوم میشه که همه شون دروغگویند و همه شون جنایتکارند. من یه مسلمونم و کاری ندارم که شما بخدا اعتقاد دارید یا ندارید ولی حرفهایی که شما میزنید حرفهای دل همه مردم ایرانه، چه مسلمون و چه غیر مسلمون و چه یهودی و چه مسیحی، حرف دل همه مردمه. ما دسترسی به اینترنت و سایتهای بین المللی نداریم ولی دلم میخواد بدونم که چه جوری میشه این حزب را تبلیغش کرد. من همیشه برنامه های شما را پیگیری میکنم ولی شما راهنمایی کنید که چه جوری میتونیم عضو این حزب بشیم. جوانی از ایران

سلام به کیوان عزیز و با آرزوی یک حکومت سوسیالیستی در ایران و به امید روزی که دیگه شاهد فقر گرسنگی نباشیم. ما دیشب با

دوستانم در رابطه با قتل عام سالهای ۶۰ که در شمال در مازنداران اتفاق افتاده بود صحبت میکردیم، میخواستیم مردم عزیز ما بدونن که الان کاندیدهای ریاست جمهوری همگی با تمام وجودشون در این قتل عامها شرکت داشتند حالا یا مستقیما و یا فقط امضا کردن. در آمل قبرستانی هست با قبرهای بسیار کوچک شاید بیست سانت در بیست سانت که کسانی را که اعدام کردند و اسمها و تاریخ تولدها را نوشتند که همه بین ۱۳ سال تا ۲۵ سال هستند و یه تعداد هم بالاتر هستند. قبرستان در جایی مشرف به رودخانه است و هنگامی که این آخوندهای پست فطرت و کثافت انسانهای بیگناه و آزادیخواه را اعدام میکردند میامدند توی قبرستان و در کنار رودخانه دفن میکردند و گه گاه سیل و بارانهایی که میامد این جنازه ها را از قبرها بیرون میکشید، و خیلی جالبه که حتی به عزیزانشون اجازه نمیدادند که روزهای پنجشنبه و جمعه وارد قبرستان شوند و حتی اگر در وسط هفته از یک تعداد مشخصی هم بیشتر میشد میامدند جلوگیری میکردند. یک فقره از اعدامهایی که داشتند افراد را به پشت، در چاله هایی میخواباندند و با تیر از پشت به قلبشون شلیک میکردند! بعد آنقدر صبر میکردند که تمام خون از اون نکته از بدنشون خارج بشه، و بعد اونها را دسته جمعی وارد گورستان جمعی میکردند. میخواستیم بگم مردم عزیز همه اینهایی که کاندید هستند از سال ۶۰ تا ۶۷ جوانان بی گناه این مردم را اعدام کردند. میخواستیم بگم که فرقی نمیکند، الان کانالهای تلویزیون سلطنت طلب که با شرکت در انتخابات مخالفت میکردند الان سه شب هست که بعد از پایان کانال جدید، نوری زاده میاد حرف میزنه که معتقد هست که بفع مردم هست که در انتخابات شرکت کنند! یکی نیست بگه ای پست فطرت آخه چرا باید شرکت کرد! تو که معتقدی من دکترم و من روشنفکرم و من سالها در این مملکت بودم و از دست جمهوری اسلامی فرار کردم از حالا به مردم میگی که بیان پای صندوقهای رای! واقعا که نهایت بیشرمی توست و واقعا خجالت آورده و من نمیدونم اینها شب چطور میسرشان را بر بالش میدارن! من از

قزوین زنگ میزنم و بیست دقیقه است که پشت خط بودم وگرنه قبلا خیلی راحت تر میتونستم بگیریم، این پست فطرت ها ۸ تا ۱۱ شب را نمیدونم چکار کردند که تلفنها اشغال میزنه! اینها میترسن از کانال جدید و میدونن که مردم متحد میشن و به کانال حزب روی میارن. مذهب همینه، مذهب یعنی انتقاد نه، یعنی کسی که مخالف ماست باید سرشو بذاره زمین بمیره. از مرم میخواستیم فکر کنند به این کانالهایی اوبوزیسیون چون رنگارنگ و کانال آقای همایون با نوری زاده هاشون که چطور چرند میگن و مردم موقع خواب فقط پنج دقیقه فکر کنند که آخه چرا باید به این جنایتکاران رای بدن که با حساب هشت سال جنگ ایران و عراق میلیونها نفر را بکشتن دادن. من و دوستانم حتما و حتما با شعار «نه به انتخابات» در دیوار شهر قزوین را پر میکنیم و من از اون روزی که پای این کانال نشستیم با هر کسی که نشستیم و صحبت کردم دیدم هیچکسی موافق نیست ولی متأسفانه بدلیل اینکه سالها ذهن مردم را مسموم کردن که مهدی میاد و نجات میده لذا برای مردم هم عادت شده و منتظرند که کسی بیاد و نجاتشون بده! در صورتی که بابا هیچکس نیست و همه و هرچی هست خودمونیم و تمام جمعیت و تمام نیرو از خود همین ملتند. متأسفانه وقتی بچه من توی مدرسه درس دینی داره و قرآن داره و درس پرورشی داره و هزار تا کوفت و زهر مار داره! و من اگر توی خونه آموزش ندم خب توی مدرسه دان مسمومش میکنن. واقعا تظاهرات دانشجویان به موسوی و اون پرچی که زدند که (موسوی سال ۶۷ باید محاکمه بشه) باعث افتخار ما بود و این اشغال حالا میخوان رئیس جمهور ما بشن و این کروی کثافت و جنایتکار که اینهمه زیر ۱۸ سال را اعدام کرده و دختران و زنان را سنگسار کرده الان داره از اعدام نشدن کودکان و از آزادی زنان دفاع میکنه! آخه یکی نیست بگه توی اسلام شما که یک مرد میتونه ده تا زن سیغه کنه چه برابری وجود داره! وقتی مشاورش خانم کدیور میاد توی تلویزیون و از آزادی زنان صحبت میکنه اونوقت یکی نیست بگه آخه کثافت تو که نشستستی توی تلویزیون آخوندها و روسری سرت کردی چی داری از آزادی زن حرف میزنی! تو اصلا میفهمی مفهوم زن یعنی چی. مرد جوانی از قزوین

سلام آقای جاوید. من به کل جوانان ایرانی توصیه میکنم که در این انتخابات شرکت نکنند. از استان آذربایجان غربی حرف میزنم. من جوانی ۲۲ ساله ام و آزادی میخوام و حقوق شهروندی میخوام ولی چیزی ندارم و کل شهروندان ایرانی هم میدونن که چیزی ندارن ... یکی نیست بلند شه تریبون بذاره و بگه آخه این حکومت چیه! من به برنامه های شما نگاه میکنم و یکی از هواداران شما هستم. ما باید بلند شیم و با اتحاد هم کاری کنیم. پسر جوانی از آذربایجان غربی

الو سلام. درود به شما و درود به حزب کمونیست کارگری. من یک جوان ۲۵ ساله هستم و با شما موافقم که اینها باید بعنوان جنایتکار محاکمه بشن و نه انتخاب. آخه چرا باید موقع بیرون اومدن از خونه لباسی بپوشیم که اینها میخوان! و هرکاری که اینها میخوان باید انجام بدیم چرا! ما همه اش در شرایط بد هستیم و با بدبختی زندگی میکنیم. دلیل نداره که برای چنین حکومتی که اینجور اقتصاد ناجور و اینطور شرایط سختی برای مردم بویزه ما جوانان ساخته و گشت و انتظاماتش را هرجا روانه کرده مردم نگران پول مدرسه و دانشگاه فرزنداناشون و نگران پول نان و غذای سفره شون چرا باید به این حکومت رای بدیم! جوانان نگران زندگی آینده شون که آیا میتونن یک دوست بگیرن و با او ازدواج کنن و یه آلونکی داشته باشن و خانواده تشکیل بدن، چرا باید رای بدیم! (قطع شد).

دختر ۲۵ ساله از ایران

با سلام به شما و تمام بچه های کمونیست کارگری و تمامی فعالان. حزب کمونیست کارگری امروز یکی از فعالترین احزابی هست که داریم میبینیم که واقعا با رژیم مبارزه میکنه و واقعا به دانشجویها کمک میکنه و در حال کمک کردن با تشکلهای کارگری و تمام جامعه است. یعنی تنها حزبی هست که ما میتونیم بهش اعتماد کنیم و من واقعا خوشحالم. من زیاد اطلاعاتی از این حزب نداشتم ولی با چندین بار دیدن این برنامه ها و شنیدن اهداف این حزب متوجه شدم که حزب کمونیست کارگری میتونه یکی از بهترین راههایی باشه که ما مردم میتونیم بهش اعتماد کنیم و قابل خریدن نیست و کسی نمیتونه در اون

نفوذ بکنه، و امروز ترس رژیم هم از همین حربه. ما مردم باید متحد باشیم و این حزب میتونه ما رو متحد بکنه و یک میلیون دو میلیون بریزیم توی خیابون و اعتراض کنیم و اونوقت مطمئن باشیم که تمام بساط این ظالمان را از جا میکنیم. بیشتر تماس خواهیم گرفت و با شما همکاری خواهیم کرد و بیشتر بچه های اینجا شما را دوست دارند و واقعا باورتون نمیشه که چه تاثیری روی مردم و جوانان گذاشته اید. امروز افراد زیادی تونستن به این حزب بپیوندن و بتونیم به اون اتحادی که لازم داریم برسیم. فرقی نیکنه ما چه دینی داریم و از کی هستیم باید به این حزب بپیوندیم و بکسک این حزب متحد بشیم و بساط اینها را جمع کنیم.

مردی از ایران

الو سلام. ما الان نه کار داریم و نه زندگی و کرایه خونه مون ۶ ماه افتاده عقب و نمیدونیم چکار کنیم و من از بچگی کارگری کردم و الان دیگه توان کار ندارم و ۴۰ سالمه. من نه با آخوند کار دارم و نه با غیره، کسی هم ندارم نه پدری و نه فامیلی ولی در مشکل خودم موندم دیگه. (قطع شد)

مردی از ایران

سلام. در جواب اون آقایی که میگفت بشینیم توی خونه میگم که بهتره بیاییم بیرون و اعتراض کنیم و جوابشون رو بدیم وگرنه الان سی ساله که توی خونه نشستیم و کاری هم نکردیم. از شما میخوام که حتما بیشتر کلیپ پخش کنید و مردم روشنتر بشن و این عوامل رژیم را بهتر بشناسن و فعالتر بشن. از شیراز زنگ میزنم. (قطع شد)

مردی از ایران

سلام آقای جاوید و درود بر وجدانتون و با امید به پیروزی. این نامردها و هیچ چی نداره وجدان ندارن و شرف ندارن و کلا ارزشی هیچی ندارن فقط جیبهای خودشون رو پر کردن و میخوان فرار کنن این جنایتکارها. همانطوری که اینها همه را دارن به معتادی میکشن و به نابودی میکشن باید همین بلاها را بسر خودشون بیاریم. از شیراز زنگ میزنم و ما همگی دور هم جمع میشیم و یکدفعه میبینی پنجاه تا صد راننده تاکسی دور هم جمع میشیم و در مورد همین چیزها صحبت میکنیم،

صفحه ۶

## از صفحه ۵ صدای مردم در کانال جدید ...

از تلویزیون رنگارنگ هم حرف میزنم و از کانال جدید هم ولی بیشتر راجع به کانال جدید حرف میزنم.  
مردی از شیراز

سلام، یکی دو نفر از عزیزان از نوری زاده حرف زدن، این آقای نوری زاده از تاجر هست و کاسبه، از یکطرف کارمند روزنامه های آمریکاست و از طرفی هم کارمند روزنامه های عربیه و در لایبای اخبارش اتفاقاتی را که در ایران میافته به اونها میدید در صورتی که ما ۲۴ ساعت قبل از او اطلاع داشتیم و ایشون گاها به داد خود رژیم هم میرسه، کانالهای سلطنت طلب هم دوباره سعی دارن اگر انقلابی شد بیایند و اوضاع سرنگون شده شون رو یه جوری برگردونن. از ایران زنگ میزنم، یه کارگر بی پولم و من و امثال من به این ۵۰ هزار دلار ماهیانه شما نمیتونیم کمک بکنم، ولی اونها میگن ماهیانه ۱۵۰ هزار دلار خرجمونه و درواقع دارن تجارت میکنند و مال و منال میخرند. در مورد انتخابات نه تنها باید رای ندیم و البته توی خونه هم نشینیم بلکه بریم توی خیابونها و نه جلوی صندوقهای رای بلکه در میدان ها و پارکها بریم شعار بدیم و بریم «نه» بگیم و لطفا دوستان اشتباه نکنند و جلوی صندوقهای رای نریم. از اول انقلاب تا حال بجز سه چهار میلیون مزدوران خودشون کسی رای نداده و ما هم همه اش توی خونه نشستیم ولی این کافی نیست و باید اعتراض کرد.

مردی از ایران

سلام آقا کیوان. میخوام جواب این اطلاعاتی را بدم که به همه مبارزان راه آزادی و کشته شدگان سالهای ۶۰ و ۶۷ توهین کردن. عذر میخوام از شما همین جمهوری اسلامی در مقابل پوتین دستمال بنست گرفته و داره از همون بقایای شوروی شکست خورده ای که خودش میگه داره پسمانده ترین ابزار نظامی را میخوره تا مردم ایران را سرکوب کنه. در مورد انتخابات بگم که نه تنها باید «نه» گفت که طبعاً کافی نیست بلکه باید عکس دلارا را برد و حتی اونهم کافی نیست و باید رفت و جواب دندان شکنی داد و همانطوری که در دانشگاه زنجان دیدم و در دانشگاه شیراز هم دیدم و شنیدم و

خبرش را دارم و در دانشگاه بابل هم همینطور مثل همون دانشجویان باید جواب دندان شکنی به این جنایتکاران کثیف داد تا دیگه اصلاً جرات نکنند جایی برن. من از ایران زنگ میزنم.

مرد جوانی از ایران

سلام آقا کیوان، از جنوب زنگ میزنم از آبادان. ما اینجا تا آخر خط با شما هستیم و در آبادان دو سه تا پرچم از شعارهای شما وصل کردیم و فقط انشالله شما باید پشتیبانی ما را بکنید تا کارهایی که میخواستیم علیه دولت بکنیم خوب پیش ببریم. شما باید بگید چکار بکنیم. مردی از آبادان

سلام آقای کیوان. صدای من قطع شد ببخشید. آقا کیوان، تلویزیون جمهوری اسلامی همه اش دروغ میگه و تبلیغ خرافات میکنه، همه اش تبلیغ خرافاته ولی دلخوشی ما همین کانال جدیدیه که چهار کلمه حرف بزنه که ارزش داشته باشه، و امیدوارم که زنده بمونیم و شما و حکومت کمونیستی را در ایران ببینیم. اینجا همه از حکومت متنفرند و فقط باید متحدشون کرد و اگر متحد بشن کوه را از جا میکنند چه برسه به حوزه علمیه قم. این کانال باید گروههای مردم را بیشتر متشکل کنه و بهم معرفی کنه و خود حزب را هم بیشتر معرفی کنید تا بهتر بتونن با شما تماس بگیرن. مرگ بر جمهوری اسلامی و درود بر آزادی. این کانال کانالی که آدم میتونه درههاشو بگه و از یخش هم مطمئن باشه.

مردی از ایران

الو کانال جدید؟ سلام. انتخابات مسخره ترین کاری هست که دارن انجام میدن و مردم اصلاً نباید شرکت کنند و باید اومد بیرون و اعتراض کرد. اینها نکته قوتها و آرزوهای مردم را میگیرن و با طرح این شعارها میخوان رای بگیرن. مثلاً آقای کروی میکه آزادی بیان میارم! خب این یعنی اینکه سی سال آزادی بیان نبوده، و یا آقای موسوی گفته قانون مداری میارم و انتظامات را از سطح جامعه بر میدارم، خب پس معلوم میشه که قانون اجرا نمیشه و انتظامات هم مزاحم مردم بوده. پس مردم ما از صحنههای خود اینها هم میتونن بفهمند که چقدر کار اینها مسخره است. من از ایران زنگ میزنم تا سی سال خودمون را توی خونه ها قایم کردیم ولی چه دیدیم جز بدتر شدن زندگی

مردم، پس بیایم بیرون و اعتراض کنیم. هر جا که اینها برنامه دارن و گردهمایی دارند پیام من بمرود اینه که «یه نفر کم نیست و میلیون نفر هم زیاد نیست» پس هر جا که اینها برنامه دارن میایم شرکت میکنیم و بهمون میریزیم و خواسته هامونو بلند میکنیم و بساط اونها را پایین میکشیم و البته نه اینکه فقط خواسته هامونو میگیم، نه! بلکه دیگه از خواسته گفتن گذشته و باید بساطشون را بهم بریزیم. هیچ ترسی نداشته باشید و اگر هزار نفر اونجا باشه فوراً میشه چند هزار نفر و صحبت هر کدام از شما را هزار نفر میشنوند. مطمئن باشید تنها راه ما پایین کشیدن اینهاست.

زنی از ایران

### علیه اعدام و کمک مالی به کانال جدید

#### برنامه ای از اصغر کریمی

سلام جناب کریمی از شیراز زنگ میزنم. میخواست شماره ای بدین و کمک مالی بشما بکنم. من و خانواده ام کانال شما را خیلی دوست داریم و همیشه نگاه میکنیم. ولی يك نکته ای دارم اینکه يك بعد فعالیتهای ما باید علیه مذهب باشه و يك بعدش علیه ناسیونالیسم و يك بعش مشخصاً تبلیغ کمونیسم باشه که بخاطر اون کمونیستهای دهه پنجاه که خیانت کردند اینها هم با تبلیغات مسمومشان مردم را متنفر کرده اند. من فکر میکنم شما کمونیستهای هستید که بهترین برداشت را از کمونیسم دارید و حزب شما را خیلی حزب مردمی میبینیم و دوست داریم که همیشه پابرجا باشید. مردی از شیراز

خسته نباشید آقای کریمی. دانشجویان و مردم تبریز جلسه موسوی را که در تالار شهریار برگزار شده بود با شعارهای خودشان بر علیه رژیم آخوندی تبدیل کردند و در پی درگیری هایی که اتفاق افتاد مزدوران رژیم چند نفر از مردم را با ضرب باتوم مجروح کردند. ناپود باد حکومت آخوندی. زنده باد آزادی و برابری.

سلام خسته نباشید. من يك جوان افغانی هستم از نروژ زنگ میزنم. فقط میخواستم با ایرانیان احساس همدردی کنم و انشالله شما در کارتون موفق باشید و همانطوری که شما میدانید تقریباً دو الی سه میلیون افغانی در ایران هستند که اونها هم مشکلات زیادی دارند. خانواده من هم در ایران هستند و من ۵۰ دلار میخوام کمک مالی کنم تا این کانال پابرجا بمونه. يك جوان افغانستانی

پخش شده. این دو نفر برای یکی از بزرگترین، یعنی برای دومین بزرگترین انتشارات اطلاعات اون زمان کار میکردن و از طرف رژیم اجازه رسمی داده شده بود که برن در کردستان و این عکسها را بگیرند. ایشون ۷۰ عکس میگیره و بلافاصله از طریق بروکسول و نیویورک این مسئله جهانگیر میشه و همه این عکسها را میبینند. آقای که به اسم جاش هست و در وال استریت ژورنال کار میکنه میگه که دو سال طول کشید که من بفهمم توی ایران چه کسی این عکسها را گرفته که یکسال همینطور توی ایران میچرخیده و آخرش متوجه شده که این آقا ۲۶ سال هويتش را گم کرده است فقط برای اینکه سران جمهوری اسلامی عصبی شدن از اینکه این عکسها در سطح جهانی منتشر شده ولی در آنزمان قرار بوده که خلیل بهرامی این عکاس در شش ستون این عکسها را منتشر کنه. صادق خلخالی ماموریت میبایه که بره در کردستان این افراد را اعدام کنه و حالا جمهوری اسلامی میگه که این عکسها حقه ای از طرف اسرائیل هست. اون فردی که تیر خلاص ها رو میزنه اسمش خلیل کریمی بادی گارد است و اون کسی هم که روی برانکاراد است اسمش حسن ناهید است که دو برادر بود یعنی شهریار ناهید، جمهوری اسلامی حسن ناهید را که زخمی بوده و روی برانکاراد بوده بحکم اینکه با یکی از نهادهایی که ضد جمهوری اسلامی بود اعدامش میکنه، و شهریار هم که دانشجو بوده و اصلاً سیاسی نبوده و برای دین برادرش رفته بوده اونهم اعدام میشه. توی تصویر مردی را میبینید که خبرنگار میگه که این فرد وقتی که در حال اعدام بود گریه میکرد و او يك کارگر بوده و ساندریج درست میکرده و اصلاً بی خبر از همه چیز بوده ولی بهاتمام داشتن اسلحه اعدام میشه. نکته دیگری که در مورد این عکس باید بگم البته خودم دانشجو بودم و ده سال هم در کوهستان با این رژیم جنگیدم و افتخار میکنم، فردی بنام جمیل محمدی از دهات ناوارا در سنج بود و پیشمرگه کومله بود و همرمز خودم بوده و او یکی از شاهدان زنده و عینی این اعدامهاست و خاطرات خودش را در وب سایت ها نوشته و علاقمندان میتونن بخونن. رسانه شما خویش اینست که جمهوری اسلامی و ارازل و اوپاش سعی میکنند که با عوامفریبی و بستن رسانه ها و

سلام آقای کریمی. در جواب اون آقای که گفت این اعدامیها در کردستان عراق بوده بگم که اگر به اسلحه هاشون نگاه کنید ژسه است ولی ارتش عراق ژسه استفاده نمیکنه بلکه اسلحه رسمی جمهوری اسلامی است. نقش این کانال در زندگی خودم این بود که افسوس میخورم که دیر متوجه شدم و ۴۰ سال از عمر من به بطالت گذشته و من فقط يك ماه است که آشنا شدم. این کانال منو آگاه کرده که از این به بعد زندگی را با خرافات ادامه ندم و کلا من و خانواده ام را آگاه کرده که دیگه با خرافه زندگی نکنیم. من تا بحال شاید ده پانزده نفر از اعضای خانواده و فامیل و دوست و آشنا را به عضویت حزب کمونیست درآورده ام و کلا کارهامون داره خوب پیش میره و الان هم در صدد هستیم و با رفقا صحبت میکنیم که بتونیم به کانال جدید کمک کنیم و طبق صحبتهایی که شده سیصد هزار تومان میتونیم کمک کنیم. آیا شما از خسرو گل سرخی خبری دارید که چی شد؟

يك مرد بیننده

آقای کریمی روزتان خوش و روز مردم بیننده هم خوش. علت اینکه اومدم روی خط اینه که اولاً تنبیه کنم اون فردی را که تلاش کرد که عوامفریبی کنه و بگه که این عکس اعدامهای عراق هستش ولی این ۱۱ نفری در همون زمان خلخالی اعدام شدند نه نفرشان سندنجی بودند. اول برای تنبیه این فرد ۵۰ پوند کمک مالی میکنم. بعلاوه صد پوند که قبلاً گفته بودم. دوم اینکه تمام مبارزان داخل ایران را دعوت میکنم که زمانی که میزین و جمع میشن توی دانشگاه و جاهای دیگه يك «نه» محکمی به عوامفریبی، «نه» محکمی به سانسور بدهند. اگر اجازه میدین در مورد فیلم هایی که ۶ دقیقه است و بر روی وب سایتها هستش بنام (آنلاین بروکسول استریپ جورنال) در مورد مردی که این عکسها را گرفت و جایزه هم برد و در مورد اون خبرنگار یه توضیحاتی بدم، اجازه هست؟ اوکی. من این فیلم را فرستادم به رفقاتون ولی با مشکل فنی روبرو شدن ولی امیدوارم بعدها بتونین این فیلم را که حالت سند داره منتشر کنید. اولاً در این عکس یازده نفر اعدام شدند که دشمن خمینی بودند و در کردستان بودند که نه نفرشان کرد بود. کسی که عکس گرفته گفته بودند که مرد ۵۸ ساله ای بود بنام جهانگیر رزمی و خبرنگاری هم که همراهش بود خلیل بهرامی بود که اجازه رسمی داشت و در ۲۸ آگوست ۱۹۷۹ این عکس

## از صفحه ۱ انتخابات؛ دو یادداشت ...

اعلام کرده است که "هیچ کس به اندازه میرحسین موسوی در تحکیم پایه های تأمین اجتماعی مؤثر نبوده است." در خصوص این تور و این اظهار نظر اشاره به چند نکته خالی از لطف نیست.

۱) محبوب یکی از قاتلین کارگران است که در همدستی با میرحسین موسوی در زمان نخست وزیری، شوراهای و دیگر تشکلهای کارگری را متلاشی و قلع و قمع کرد؛ و رهبران و فعالین کارگری را کرور کرور بیکار، زندانی، تبعید و اعدام کرد. ایشان در هر دوره ای از مضحکه انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، از یکی از جنایتکاران رژیم اسلامی حمایت کرده است. در دوره قبل، از منفورترین چهره رژیم، هاشمی رفسنجانی، حمایت کرد. کارگران هم با برهم زدن معرکه گیریشان در استودیوم آزادی حسابش را کف دست هم او و هم ملیجکهای خانه کارگر گذاشتند.

کارگران! کارگران این را خوب می دانند!

۳) کارگران می دانند که وضعیت امروز معیشت شان و آینده تیره و تار و بی آینده در جمهوری اسلامی، با دوره نخست وزیری میرحسین موسوی و کشتارهای دهه ۶۰ که ایشان یکی از اصلی ترین شخصیت های رژیم در آن دوره بود، شروع شد. هیچ اندازه تبلیغ دروغینی نمی تواند پرده ساتری بر این واقعیات تلخ بگستراند.

۴) کارگران نباید روز انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در خانه بنشینند. باید به خیابانها بریزند و در اتحاد و همدستی با دیگر مردم معترض، با جوانان، زنان و همه جامعه صندوقهای رأی را بر سر مزدوران رژیم بکوبند. باید چرخ تولید را متوقف کنند. باید به خیابان بیایند و در این روز خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی، از جمله کارگران زندانی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، جعفر عظیم زاده، سعید یوزی، محمد اشرفی، حسین اکبری، عبدالله وطن خواه، فرزند کمانگر، ... بشوند.

کارگران دلیلی ندارند که در این انتخابات شرکت کنند، مگر اینکه با پاهایشان برای برهم زدن بازی و معرکه گیری اسلامی به خیابانها بیایند و یک صدا مرگ این رژیم را فریاد بزنند. کارگران باید چرت محبوب و اما مانش را پاره کنند و برای همیشه از شر آنها، که نه تنها

همچنین کم کردن فشار جنبش اعتراضی بر موسوی، از "انقلاب فرهنگی" رژیم اسلامی یاد کرده که در سال ۱۳۵۹ با حمله اراذل و اوباش اسلامی به دانشگاه ها و برای اسلامی کردن این مراکز، دهها تن از دانشجویان را کشته و زخمی کردند و دانشگاهها را برای چند سال به تعطیلی کامل کشاندند. سرروش که سر دسته این اوباشان بود، می گوید میرحسین موسوی که برای تخطئه ایشان اینچنین به سرروش حمله می شود، یکی از اعضای اصلی ستاد "انقلاب فرهنگی" بود.

با فرمان آیت الله خمینی، جلال جماران، ستادی برای پاکسازی و اسلامی کردن دانشگاهها از کمیونستها و دیگر آزادخواهان تشکیل شد که اعضای اصلی آن عبدالکریم سرروش، محمد جواد باهنر، علی شریعتمداری، مهدی ربانی املشی، جلال الدین فارسی، شمس ال احمد و حسن حبیبی بودند. با فرمان دیگری از خمینی و با پیشنهاد خامنه ای و رفسنجانی در سال ۶۲، این ستاد با اضافه شدن تعدادی دیگر، از جمله سید محمد خاتمی و میرحسین موسوی تکمیل گردید.

"انقلاب فرهنگی" که اکنون این چنین بلائی جان جانیانی چون سرروش و میرحسین موسوی شده است، تنها یکی از صدها قتل عام جمهوری اسلامی است که در هر کدام از آنها رد پای حداقل یکی از این مقامات اصلی رژیم را می بینید. حمله های مکرر و پی در پی به کردستان، قتل عامهای قارنا و قلاتان، حمله به

ترکمن صحرا، ربودن و سر به نیست کردن چهار تن از رهبران شوراهای ترکمن صحرا، قتل عامهای سال ۶۰ و ۶۱ و ۶۷، به گلوله بستن کارگران خاتون آباد، بیسکارسازی های میلیونی، عدم پرداخت دستمزدهای کارگران، حمله به مراسم اول مه ۸۸، حمله به تجمع کارگران بیکار در اصفهان، جنگ خانمان برانداز ۸ ساله با عراق، و صدها قتل و جنایت دیگر که هر کدام کافی است پرونده حکومتی را برای همیشه ببندد، زیر بغل جانیانی چون خاتمی، میرحسین موسوی، رفسنجانی، سرروش، خامنه ای و غیره است که روزی راهی دادگاه های بین المللی برای پاسخگویی به جنایت بر علیه بشریت خواهند بود.

اگر روزی روزگاری این جانیان با افتخار قضاوت هائی چون "انقلاب فرهنگی" را زیر دکور یادگارهای خود کرده بودند، اکنون حتی در کلاس درس فیلسوف دروغین اسلامی دانشگاه های آمریکا و توره های سخنرانی انتخاباتی امید دولت آبادی و محبوب هم همچون شبی در برابرشان قد علم می کند و خواب راحت را از آنان سلب کرده است. اگر دیروز دانشگاه را با فلسفه فیلسوفان اسلامی به خاک و خون کشیدند که به خیال واهی خود از کمونیسم و عدالتخواهی رهائی یابند، امروز نسل دیگری از دانشگاهیان در برابرشان قد علم کرده است که یادواره جنایت های "انقلاب فرهنگی" را تزئین سالن سخنرانی آنها می کند. کور خوانده اند که می توانند حافظه تاریخ را پاک کنند.\*

## از صفحه ۶ صدای مردم در کانال جدید ...

زندان و اعدام و سر به نیست کردن او آنها دهن مردم را ببندد هر چند که سی ساله که جمهوری اسلامی هیچ غلطی نتوانسته بکند و رسانه شما دست ما رو خیلی باز کرده و ماها همه منتظریم که هر کاری که از دستون برمیاد بکنیم و در ایران هم جوانان و کارگران هستند که این رژیم را بزانو در میارن و به زبانه دان تاریخ میسپارند.

خونمون از احمدی نژاد حمایت میکنیم! آخه او از جانب کی حرف میزنه! خب از جانب خودش حرف میزنه چونکه از دار و دسته احمدی نژاد هست و جیبش را پر کردن وگرنه از طرف اون کارگرا و زنانی با بچه های یتیم که نمیدونن چه جوری زندگیشون بگذرونن که نمیتونه حرف بزنه. واقعا از این انتخابات و این مسخره بازیها داره حاله بهم میخوره. آخه این یعنی چی که باز چهار تا دیگه اومدن حکومت کنن و بدزدن و بچاپن و ببرن! و چی عاید ما مردم میشه هان! آخه ما که اینها را بعنوان نماینده خودمون قبول نداریم که، و من که اصلا بهشون رای نمیدم و اونهایی هم که رای میدن یا دارن از جانب اینها ساپورت میشن و یا بالاخره از جانب

اینها یه چیزی بهشون میماسه وگرنه از دید ما همه اینها میخوان خودشون به یه جایی برسون و جیبهای خودشون پر کنن. بسه دیگه واقعا ما زنان و مردم ایران همه حالیمونه که همه این حرفها دروغه و من از عوض اینها خجالت میکشم و میگم که جمعیتم کتن دیگه خسته شدیم، ما که کاره ای نیستیم همین خامنه ای خودش کسی را که میخواد از صندوق دربیاره بذاره اونجا.

زنی از ایران سلام بشما و خسته نباشید. من میخواستم عضو حزب بشم و آیا این دستگیریها همه آزاد شدن یا نه؟ یک مرد بیننده آقای کریمی سلام خسته نباشید.

میخواستم راجع به برنامه هاتون صحبت کنم و بگم که ما به کانال جدید خیلی نیاز داریم چون من خودم یه کارمندم و مقداری پول اضافی آوردم میخواستم کمک کنم چطور می باید کمک کنم؟ ما از استانهای محرومیم که برق نداریم.

زنی از استان بوشهر سلام آقای کریمی. این آقایی که اومد گفت مردم ایران به اینها رای میدن، مگه اونهایی که توی زندانند مردم ایران نیستند و مگر اونهایی که اعدام شدند مردم ایران نبودند و مگر اونهایی که در اول ماه مه دستگیر شدند مردم ایران نبودند! بعد یه خانمی گاهی اوقات میان صحبت میکنند و گفتند که ده سال بود که در کردستان بودند و راجع به عکسها

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.

## کمپین ۳۰۰ هزار دلاری برای تامین کانال جدید ۱۸۰۴۱۰ دلار دیگر باید جمع آوری شود

چهارمین لیست کمک های دریافتی برای تامین ۳۰۰ هزار دلار را به اطلاع میرسانیم. کمپین ۳۰۰ هزار دلاری برای ادامه کاری کانال جدید از روز دوشنبه ۴ مه شروع شده و به مدت شش هفته ادامه خواهد داشت. تاکنون مبلغ ۱۱۹۵۹۰ دلار جمع آوری شده و ۱۸۰۴۱۰ دلار دیگر باید جمع آوری شود. صمیمانه از دوستان عزیز که به این کمپین پیوسته اند قدردانی میکنیم و اطمینان داریم که شما دوستان و بینندگان کانال جدید، شما مردم معترض و عدالت طلب، با کمک های خود بار دیگر تداوم کانال جدید این ابزار مهم سازماندهی اعتراض و مبارزه علیه جمهوری اسلامی، این وسیله متحد کردن توده های میلیونی برای تحقق شریف ترین آرمانهای بشری را ممکن میکنید.

شها دانشفر: ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸  
Shahla\_daneshfar@yahoo.com

تلفن تماس در اروپا:  
سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
حسن صالحی: ۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲

کانادا و آمریکا:  
فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

شماره حساب سوئد:  
Sweden  
Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

شماره حساب آلمان:  
Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

شماره حساب کانادا:  
Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900 Dixie Rd, Mississauga  
L4W 2R1  
Account #: 84392 00269 13

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:  
England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
account holder: WPI  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 4779 81  
BIC: NWBK GB 2L

### لیست ۴، ۲۷ مه ۲۰۰۹

مصطفی صابر	۱۵۰۰۰ دلار
فریده آرمان	۳۵۰۰۰ کرون
نینا تابان	۲۵۰ دلار
مهران محبوبی	۲۵۰ دلار
جهان	۲۰۰ دلار
تورج قصاب	۲۰۰ دلار
خسرو شاد	۲۰۰ دلار
مسعود ازسردشت	۱۰۰ دلار
رهند از سردشت	۵۰ دلار
شهاب از بودکان	۲۰ دلار
بهمن خانی و فرشته مرادی	۷۵۰۰ یورو
ناصر کشکولی	۱۴۰ یورو
رضا از آلمان	۱۰۰ یورو
میترا از آلمان	۵۰ یورو
حمید رحیم پور	۵۰ یورو
منوچهر ژندی فر	۵۰ یورو
بیرگیت و منصور ماهانی	۵۰ یورو
نجات اتان	۵۰ یورو
آسمان رفعت	۲۰ یورو
رامین تقی پور	۱۰ یورو
فرید کریمی	۱۰ یورو
فرزان انگلیس	۵۰ پوند
کریم شامحملی	۲۱۰۰۰ کرون
شادی بهار	۵۰۰ کرون
ناصر خصایبی	۲۰۰ کرون

جمع لیست شماره ۴: ۱۹۹۳۰ دلار  
لیست سه: ۵۶۳۹۰ دلار  
لیست دو: ۳۵۵۳۵ دلار  
لیست یک: ۷۷۳۵ دلار  
جمع تاکنونی: ۱۱۹۵۹۰ دلار

لازم به توضیح است که در جمع سه لیست کمک مالی در لیست شماره ۳ مبلغ ۱۰۰۰۰ دلار اشتباه شده بود که اینجا تصحیح شده است.

سایت حزب: www.wpiran.org  
سایت روزنه: www.rowzane.com  
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com  
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:  
Tel: 0046-739318404  
Fax: 0046- 8 6489716  
Email: [markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

آدرس پستی  
I.K.K  
Box: 2110  
127 02 Skärholmen - Sweden

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آرش ناصری

اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.